



شرح منظومه
عمدة الطلاب
در اصول فقه

دکتر جلیلا امیدی

(دانشیار دانشگاه تهران)

سید ادريس قيصري

(کارشناس ارشد فقه شافعی)

نور



امیدی، جلیل، ۱۳۴۲ - سید ادريس قيصری، ۱۳۶۱.

عمدة الطلاب في اصول الفقه . فارسی .

شرح منظومه عمدة الطلاب در اصول فقه

جلال امیدی، ادريس قيصری.

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۵.

۱۴۳ هـ. ش. ۸-۲۸۶-۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: سید مرتضیٰ انصاری، عباس بن محمد، ۱۲۹۳ -

۱۳۴۶ ق. عمدة الطلاب في اصول الفقه -- نقد و تفسیر، اصول

فقه شافعی،

Islamic law, Shafi'i -- Interpretation and construction*

قيصری، سید ادريس، ۱۳۴۰ -

سید رضوان مدنی شافعی، عباس بن محمد، ۱۲۹۳ - ۱۳۴۶ ق.

عمدة الطلاب في اصول الفقه. شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۸۰۴۲۲۳، س. ۷/ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۳۹۵۶



شرح منظومه عمدة الطلاب در اصول فقه

تأليف: دکتر جلیل امیدی، سید ادريس قیصری

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ احسان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۲۸۶-۸

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
۱	اصول فقه، اهمیت و ابقه‌ی تاریخی.....
۵	روش‌های تدوین آراء و آثار اربلی.....
۸	منظومه‌ی عمدة الطلاب.....
۱۰	زندگی‌نامه‌ی ناظم.....
۱۵	دبیاچه‌ی ناظم.....
۳۵	فصل اول: مسایل مقدماتی.....
۳۷	۱- اصول فقه.....
۴۲	۲- اصل و فرع.....
۴۶	۳- فقه.....
۵۰	۴- حکم و اقسام آن.....
۸۱	۵- علم، جهل و نظر.....
۹۰	۶- دلیل، ظن، وهم و شک.....
۹۷	فصل دوم: ادله‌ی احکام.....
۹۹	۱- ادله‌ی مُتَّفَقٌ عَلَیْهَا.....

ب ♦ شرح منظومه عمدة الطلاب

- ۲- اقسام كلام ۱۰۹
- ۳- امر و دلالت های آن ۱۱۳
- ۴- دلالت امر بر تکرار و فوریت ۱۲۶
- ۵- مخاطبین امر ۱۳۹
- ۶- نهی ۱۴۵
- ۷- خبر و انشاء ۱۴۷
- ۸- هیئت و حاز ۱۵۲
- ۹- عام ۱۵۷
- ۱۰- تخصیص ۱۶۸
- ۱۱- مُجْمَل و مُبَيَّن ۱۸۶
- ۱۲- ظاهِر و مُؤَوَّل ۱۹۲
- ۱۳- منطوق و مفهوم ۱۹۷
- ۱۴- نسخ ۲۰۸
- ۱۵- سنت ۲۱۵
- ۱۶- اجماع ۲۲۸
- ۱۷- قیاس ۲۳۹
- ۱۸- اقسام قیاس ۲۴۲
- ۱۹- ارکان قیاس و شروط آنها ۲۴۷
- ۲۰- استصحاب ۲۵۴
- فصل سوم: استدلال ۲۵۹

شرح منظومه عمدة الطلاب ♦ ج

۱- تعارض و ترجیح	۲۶۱
۲- مبانی فقه	۲۶۶
۳- مجتهد	۲۷۸
۴- اجتهاد	۲۸۹
۵- مضایب و مُخطی‌ء	۲۹۳
۶- تقلید	۳۰۶
خاتمه	۳۰۹
پیوست‌ها	۳۱۳
پیوست ۱: متن عُمْدَةُ السُّلَاطِیْنِ فِي أُسُولِ الْفِقْهِ	۳۱۵
پیوست ۲: اصطلاحات اصولی زبان انگلیسی	۳۲۳
فهرست منابع	۳۳۱

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى الْبَعْثِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ إِمَامِنَا وَأَسْوَتَنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ
صَحْبِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ يَا سَيِّدِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

اصول فقه؛ اهمیت و سابقه‌ی تاریخی

اصول فقه اجمالاً دانشی است که درباره‌ی ضوابط اجتهاد و اصول
استنباط احکام فقهی از منابع شرعی بحث می‌کند. به اصطلاح امروز
متدلوژی یا روش‌شناسی اجتهاد و اظهارنظر فقهی در باب اعمال و وقایع
منسوب به افراد و حقوق و مسئولیت‌های آنان است. غرض از این دانش
چنان‌که از تعریف آن پیداست این است که شخص واجد اوصاف اجتهاد، در
چارچوب قواعد و ضوابطی مشخص و منقح به تحقیق در باری مسائل فقهی
بپردازد؛ مبانی و مآخذ اقوال و فتاوی فقهی گذشتگان را به درستی درک و
تحلیل کند و در خصوص وقایع مستحدث به نحوی منضبط و مقبول
اظهارنظر نماید.

علم اصول فقه اولاً از نیازهای ضروری و ثانیاً از نیازهای مستمر مسلمانان است. ضروری است زیرا بدون احاطه و التزام به آن، فهمی صحیح و نظری قابل اعتماد در زمینه امور فقهی نمی توان داشت. مستمر بودن این نیاز هم بدین معناست که نمی توان آن را محدود به مقطعی خاص از مقاطع تاریخ دانست. چرا که فهم متون و منابع شرعی و مواجهه و پاسخ گویی به مسائل جدید محدود به زمان خاصی نیست. از عصر رسالت تا کنون، منابع شرعی یعنی کتاب، سنت همواره در معرض تحلیل و بازخوانی و بازاندیشی بوده اند و وفایح و مسایل جدید مستمراً در بطن و بستر این تحلیل ها و بازاندیشی ها در معرض اجتهاد و افتا قرار گرفته اند. از این رو باید گفت آنچه به نام سدّ باب اجتهاد بر سر راهان عوام افتاده است، نمی تواند دلیلی برای بی نیازی از علم اصول فقه باشد. چرا که قسم از اهل علم، به سدّ باب اجتهاد به معنای تعطیلی اجتهاد و افتا در مسایل فقهی فتوا نداده است. آنچه از بعضی از علما نقل شده اولاً نظری شخصی است و ثانیاً مقصود از آن در حقیقت محدود کردن اجتهاد در چارچوب قواعد و ضوابط مقرر در چهار مذهب معتبر فقهی اهل سنت و جماعت و اجتناب از اظهار طریقی بی ضابطه و نهی از مراجعه به جریان ها و طرز فکری بوده است که مبانی و مآخذ اجتهادی مشخص و معتبری نداشته اند. بنابراین چنین منقولاتی را در واقع باید ناظر به حصر باب اجتهاد دانست و نه سدّ باب اجتهاد.^۱

حتی لفظ‌گرایی‌ها و تحلیل و تفسیرهای سطحی مذهب ظاهریه هم نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از علم اصول فقه اعلام کند. زیرا تفسیر و تحلیل‌های این مذهب نیز خواسته یا ناخواسته مبتنی بر قواعد و ضوابط اصولی است. از این رو است که می‌بینیم منابع مذهب ظاهریه از جمله آثار ابن حزم اندلسی هم اگر کما می‌بینیم در همه‌ی ابواب، دست‌کم در مباحث الفاظ و روش فهم نصوص و استنباط احکام فقهی از آنها، به طرز قابل ملاحظه‌ای وامدار علم اصول فقه است.

از لحاظ تاریخی آنچه مسلم است این است که همزمان با آغاز عصر اجتهاد و افتا در دوره‌ی صحابه و تابعین قواعد و ضوابط اصول فقه به طور ضمنی و به عنوان مبانی نانوشته و غیر مدوّن در بطن اجتهادات و اظهارنظرهای فقهی مجتهدین صحابه و تابعین مطرح و مراعات می‌شده است. با این حال به دلیل سادگی و محدودیت مسائل، سهولت استنباط احکام آنها از عمومیات و اطلاقات آیات و احادیث، نیاز به تدوین و تنقیح چنین قواعد و ضوابطی احساس نمی‌شده است.

بعد از آن به واسطه‌ی توسعه‌ی جغرافیایی اسلام و تزايد و تکثیر منابع و مسایل فقهی و ظهور جریان‌های علمی و برخورد افکار و اظهارنظرهای فقیهانه، ضرورت تنقیح و تهذیب قواعد مورد بحث و تدوین نظامنامه‌ی اجتهاد گوشزد می‌شده است. آن‌گونه که مورخان و اصولیان مورد اعتمادی چون ابن خلکان، ابن خلدون، حاجی خلیفه و امام فخر رازی گفته‌اند،

نخستین دانشمندی که در این زمینه دست به تصنیف برده است امام الانمه، امام محمد بن ادریس شافعی (م. ۲۰۴) بوده است. امام شافعی با تألیف کتاب الرّسالة در واقع به یکی از نیازهای مبرم مسلمانان پاسخ گفت. امام در این کتاب، ادله‌ی معتبر شرعی را تعریف و تنقیح کرده و چرایی حجیت آنها و چگونگی فهم آنها و کیفیت استناد به آنها را در مقام اجتهاد و افتا به گونه‌ای روشمند و کاربردی و البته مبسوط و مستوفی بازگفته است.

نیمه‌ی دومی امام شافعی و غنای کتاب الرّسالة به اندازه‌ای بوده که حدود دو قرن بعد از تألیف آن با وجود توسعه‌ی دایره‌ی اجتهاد و اختلافات فقهی و ظهور مکاتب مذهب جدید، نیاز به تألیفی دیگر در این زمینه احساس نمی‌شده است. در سال‌های پایانی قرن چهارم در بحبوحه‌ی رویارویی‌های کلامی اشاعره و معتزله و تداخل مسایل اصولی و کلامی و ورود بعضی از مبانی علم کلام به حوزه فتاوت، دو شخصیت معروف از دو مکتب کلامی مذکور یعنی قاضی ابوبکر بن ادریس اشعری (م. ۳۰۳) و قاضی عبدالجبار معتزلی (م. ۴۱۵) در کنار دیگر از علای خود، در زمینه‌ی اصول فقه نیز هر کدام تألیفاتی از خود برجای گذاشتند.

آثار اصولی این دو قاضی فتح بابی بود برای تولید انبوهی از تصنیفات و تألیفات اصولی دیگر. به نحوی که امام تاج الدین عبدالوهاب ابن سبکی (م. ۷۷۱) در مقدمه‌ی کتاب شریف جمع الجوامع گفته است در زمان تألیف

کتاب مذکور حدود یکصد مُصَنَّف اصولی در اختیار داشته و مطالب آن کتاب را از آن یکصد مُصَنَّف، اخذ کرده است.

روش‌های تدوین آرا و آثار اصولی

علمای اصول در تدوین آرا و تألیف کتب و رسایل اصولی غالباً به یکی از سه روش زیر عمل کرده‌اند:

نخست؛ روش یا طریقه‌ی متکلمان که به واسطه‌ی این که نویسندگان و صاحب نظران آن دست‌آورد متکلمان برجسته‌ای بوده‌اند به طریقه‌ی متکلمان موسوم شده است و در عین حال پر از فقهای شافعی در این شیوه‌ی تدوین و تألیف از مهارت و براعت مخصّصی برخوردار بوده‌اند و در واقع از پیشگامان و پیشوایان این شیوه‌ی تألیف محسوب می‌شده‌اند به طریقه‌ی شافعیه هم شهرت یافته است.

در این روش، قواعد و ضوابط اصولی با نفع نظر از فروع مسایل فقهی، تنقیح و تهذیب و تدوین می‌شوند. ضوابط اصولی اصل و مسایل فقهی، فرع تلقی می‌گردند و طبعی است که فرع باید تابع اصل باشد و صحت و سقم آن بر مبنای اصل ارزیابی شود و نه بالعکس. غیر از حنیه سایر مذاهب فقهی آثار اصولی خود را در این طریقه تألیف کرده‌اند. بعد از کتاب الإرشاد و التقرب قاضی ابوبکر بن باقلانی، کتاب البرهان تألیف امام الحرمین ابوالمعالی جوینی (م. ۴۷۸)، کتاب المستصفی تألیف امام محمد غزالی (م. ۵۰۵) و کتاب المعتمد تألیف قاضی ابوالحسین بصری معتزلی

(م. ۴۳۶)، از امهات منابع اصولیِ طریقه‌ی مورد بحث محسوب می‌شوند. این چند منبع مهم را بعدها دو نفر از ائمه‌ی علم اصول، تلخیص و تلقیق کرده و آراء و نظریات خود را به آنها افزوده‌اند. نخست امام فخر الدین رازی (م. ۶۰۶) و دوم امام سیف الدین آمدی (م. ۶۳۱). کتاب امام فخر رازی رسوم به المحصول فی علم الأصول توسط شاگردان و هم مسلکان ایشان از جمله سراج‌الذین اُرموی (م. ۶۸۲) و قاضی ناصرالدین بیضاوی مفسر مشهور (م. ۱۸۲ یا ۶۰۲) شهاب الدین قرافی مالکی (م. ۶۸۴) تلخیص و تنقیح شده است. کتاب آمدی موسوم به الإحكام فی اصول الأحكام نیز از سوی دانشمند صاحب نظر، چرن بن حاجب مالکی (م. ۶۴۸) تلخیص و تهذیب شده است.

دوم؛ روش یا طریقه‌ی فقها که به دلیل تنقیح و تدوین قواعد اصولی بر مبنای آراء و فتاویٰ فقهی مؤسسان مذهب از سوی و کثرت طرح مسایل فقهی در ضمن مباحث اصولی از سویی دیگر، به طریقه‌ی آنها و به دلیل مهارت و حذاقت حنفیه در این طریقه به نام آنان هم موسوم و مشهور گشته است. در این طریقه به عکس طریقه‌ی شافعیه قواعد و ضوابط اصولی از راه ملاحظه و استقرای فتاویٰ فقهی پیشوایان مذهب به دست می‌آیند. فرض بر این است که ائمه‌ی فقه و فتوا در ضمن اجتهادات و افتانات خود چنین قواعد و ضوابطی را در نظر داشته‌اند و بر اساس آنها اجتهاد و اظهار نظر می‌کرده‌اند. از مشهورترین و معتبرترین تألیفات این طریقه کتاب الأصول نوشته‌ی ابوبکر رازی حنفی

مشهور به جصاص (م. ۳۷۰)، کتاب الأصول تألیف ابوزید دیوسی حنفی (م. ۴۳۰)، کتاب الأصول از فخرالاسلام ابوالحسن پَرْدَوِی حنفی (م. ۴۸۲) و شرح آن موسوم به کشف الأسرار تألیف عبدالعزیز بخاری (م. ۷۳۰) که او هم حنفی مذهب است، در خور ذکر هستند.

سوم: روش جمع بین دو طریقه‌ی سابق الذکر است. در این شیوه تألیفات اصولی با تلفیق مزایای دو طریقه‌ی متکلمان و فقیهان تدوین می‌شوند. یعنی قواعد اصولی از سویی بر مبنای دلایل توجیهی خود و نه به تبعیت از فتاویٰ پیش‌ایمان، مذهب، تقریر می‌شوند و از سویی دیگر مبنای اصولی فروع فتاویٰ فقهی و به ارتباط فروع مذکور با قواعد اصولی، هم‌زمان ذکر می‌شوند. متأخرین مدهاب منصف فقهی غالباً در این طریقه دست به تألیف و تصنیف برده‌اند. از مشهورترین کتابهای تألیف شده در این طریقه می‌توان از کتاب بدیع النظام نوشته‌ی ابن‌الدین ابن‌ساعاتی حنفی (م. ۶۴۹)، کتاب التنقیح و شرح آن التوضیح نوشته‌ی عبداللہ ربیعہ حنفی (م. ۷۴۸)، کتاب جمع الجوامع تألیف تاج‌الدین ابن‌سبک (م. ۷۱۰)، کتاب مُسَلَّمُ الثُبُوت نوشته‌ی محب‌الله ابن‌عبدالشکور بهاری (م. ۱۱۹)، و شرح آن موسوم به فَوَاتِحُ الرَّحْمُوتِ نوشته‌ی عبدالعلی انصاری (م. ۱۲۲۵) نام برد.

منظومه‌ی عمده الطلاب

صاحب نظران و علاقمندان به علم اصول فقه در کنار تألیف کتب معتقل، در موارد متعدد به شرح و تحشیه و تعلیق و تلخیص آثار تألیف شده در این علم هم پرداخته‌اند و گاه نیز از باب تفنن یا به منظور حفظ مسایل این فن منظومه‌های را بر این باره پدید آورده‌اند. از جمله‌ی آثار منظوم در این زمینه منظومه‌ی رساله عمده الطلاب، تألیف شیخ عباس بن محمد بن احمد بن سید رضوان مدنی شافعی (م. ۱۳۴۶) است. منظومه‌ی مورد اشاره متضمن دوره‌ای مختصر در علم اصول فقه است که طی ۱۰۷ بیت در بحر رجز به زبانی ساده تقریباً تمام امهات مسایل علم اصول را به نظم درآورده است. منظومه‌ی مورد بحث هم از حیث ترتیب لرح مطالب و هم از نظر تعابیر و مصطلحات و نیز از دید اقوال و آراء، به سبب و سیاق تألیفات کتب اصولی شافعیه یا متکلمان تدوین شده است. ناظم در مقدمه مسایل مقدماتی نظیر تعریف علم اصول فقه، تعریف و اقسام حکم تکلیفی، مرصعی، تعریف علم، دلیل، نظر و امثال آنها را ذکر کرده است. در متن اصلی مسایل اساسی علم

-
۱. بحر رجز یکی از شانزده بحر مشهور اشعار عرب است که اجزای آن در هر بیت شش بار مستفعلن است چنان‌که صفی الدین حلی گفته است: فی أبخر الأرجاز بحرٌ یسهلٌ مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، سرودن شعر در این بحر برای اهل ذوق کار چندان دشواری نیست. به همین دلیل منظومه‌های علمی غالباً در این بحر سروده شده‌اند (نک؛ القناء، الکافی، ص ۷۴۵؛ عباچی، ابازر، علوم البلاغة، ص ۷۰).

اصول فقه، نظیر مسایل مربوط به سادله، شامل کتاب، سنت، اجماع، قیاس و اقسام الفاظ و دلالات آنها و نیز مسایل ناظر به احکام اجتهاد و تقلید را مطرح کرده و با یک خاتمه در باب حمد و ستایش خداوند و درود بر پیامبر و یاران و پیروار ایشان بحث را به پایان برده است.

برخلاف معظم کتاب‌های اصولی در این منظومه از ذکر اختلاف نظرهای اصیلان در باب مسایل علم اصول، اجتناب و همین‌طور از ذکر اصحاب اقوال^۱ است. «...» های آنان خودداری شده است. ناظم در طرح هر مسئله آنچه را خود صریح^۲، اصح یا راجح یا مختار دانسته با حذف دلایل ناظر به صحت یا ترجیح آن ذکر کرده است. ظاهر آن است که در تنظیم مسایل و ترتیب آنها نظری به کتاب جمیع الجوامع تألیف امام تاج الدین عبد الوهاب بن سبکی و تخریص آن موسوم به لب الأصول تألیف شیخ الإسلام قاضی زکریا انصاری (م. ۹۲۵) داشت است. این منظومه‌ی حاضر، دو تن از دانشمندان بزرگ چون علامه جعفر کتانی^۳ و محمد بن سلیمان^۴ تقریظ نوشته‌اند. برای مشاهده‌ی تقریظ‌ها می‌توان به شرح و تفسیری خود ناظم بر منظومه، موسوم به فتح المنعم الوهاب مراجعه کرد. آنچه ذکر آن در اینجا لازم

۱. ابو عبد الله محمد بن أبي الفيض جعفر بن ادریس الحسینی الإدیریسی مشهور به کتانی از فقهای مالکی است که در سال ۱۲۷۴ هجری متولد و در سال ۱۳۷۵ هجری فوت کرده است. او دارای تألیفات فراوانی است. در فاس متولد شده و در همان‌جا فوت کرده است (زرکلی، الأعلام، ج ۲ ص ۱۲۲).

۲. محمد بن سلیمان حسب الله، فقیه شافعی اهل مکه که صاحب چند تألیف است. در سال ۱۲۴۴ متولد و در سال ۱۳۳۵ فوت کرده است. (زرکلی، الأعلام ج ۲ ص ۱۵۲).

است، مختصری در باب شرح احوال و آثار صاحب منظومه‌ی مورد بحث است.

زندگی‌نامه‌ی ناظم

ناظم منظومه‌ی عمده الطلاب عباس فرزند محمد فرزند احمد فرزند سید رضوان النبی شافعی است که در آخر ذی‌الحجه‌ی سال ۱۲۹۳ هجری در خانواده‌ی این عالم متولد شده است. افراد این خانواده که علوم شرعی را از آباء و اجداد خود فرا گرفته‌اند، سلسله‌ی نسبشان به حسن بن علی ختم می‌شود. عالمان این خانواده بعداً نامشان در ردیف مدرسان طراز اول حرمین شریفین یعنی مسجدالحرام در مسندالذی قرار دارد. از جمله‌ی عالمان این خانواده، علامه سید رضوان ازهری است که از مصر به حجاز منتقل شده است. ظاهراً محمدعلی پاشا او را به خادمان پادشاه علمی‌اش به مدینه فرستاده است. او که سابقاً مدرس دانشگاه الأزهر بود در مائنه یکی از مدرسین ممتاز مسجدالنبی محسوب می‌شده است. پدر ناظم، علامه شیخ محمد بن احمد رضوان مدنی است که به شیخ دلایل معروف بوده است.

شیخ عباس رضوان خود در علوم شرعی از سرآمدان روزگار بوده است. استادانش او را به تدریس، تشویق کرده و اجازه‌ی نامه‌ی تدریس در مسجد نبوی را برای او امضا کرده‌اند. با شروع جنگ جهانی اول، مدینه را به قصد مصر ترک کرده و به دانشگاه الأزهر رفته است و طی مدت چند سال اقامت خود در مصر مشغول به تدریس شده است. ولی همچنان مشتاق مدینه‌ی منوره بوده و

چند بیتی شعر هم در باب این اشتیاق سروده است. با پایان جنگ جهانی به مدینه بازگشته و دوباره در مسجد شریف نبوی، به تدریس پرداخته و سرانجام در شب هجده از ماه رمضان سال ۱۳۴۶ هجری در منزل خود مشهور به درب الجنان: در حاشیه‌ی مسجد نبوی، دار فانی را وداع گفته است. مردم بسیاری بر - روزه، او نماز خوانده‌اند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده‌اند.

شیخ علی، علاوه بر این که در علوم شرعی و عربی سرآمد بوده شاعری نازک، طبع و شایسته بن گفتار هم بوده است. در شعرهایش معانی بلند و تعابیر بلیغ وجود دارد. با این حال بیشتر وقت خود را صرف مطالعه و تدریس و عبادت می‌کرده و به ته‌نیب و رزق‌داری نفس اهتمامی خاص داشته است. بعد از فراغت از عبادت و تعلیم در ته‌نیب، به تألیف کتب و رساله‌های علمی می‌پرداخته و از آنجا که از ذوق ادبی و سبزه‌ی شاعری بهره‌مند بوده، بعضی از تألیفات خود را به صورت منظوم تدوین کرده است. آثار منشور و منظوم وی عبارتند از:

- ۱- فتح رب الأرباب بما أهمل فی لب الألباب
- ۲- فراند العقود
- ۳- إعلام الناس بأسانید السید العباس
- ۴- فتح البر بشرح بلوغ الوطر من مصطلح اهل الأثر
- ۵- إتحاف الإخوان
- ۶- منظومه‌ی کفایة الطلاب فی الفرائض

۷- إرشادُ الأحباب الى أسرار كفاية الطلاب

۸- منظومه‌ی عمدة الطلاب فی اصول الفقه

۹- فتحُ المُنعم الوهَّاب بشرح عمدة الطلاب فی علم اصول الفقه

تنبیهاً لأولی الألباب

و اما آنچه در دست دارید کتابی است که در یک دیباچه و سه فصل با اربع منایب خبر فقه، اصول، تفسیر، حدیث، و لغت به شرح و تحقیق مطالب منظومه عمدة الطلاب می‌پردازد. بنای کار بر این بوده است که اولاً با اعراب و حرکات آری، صحیح ابیات و ترجمه‌ی روان آنها و ثانیاً با شرحی مختصر و البته مستدل و مستند به منابع معتبر، معانی مورد نظر ناظم تبیین و فهم آنها بر خوانندگان تسهیل گردد. روشن است که مسایل اصول فقه مبسوط‌تر و بعضاً بسیار پیچیده‌تر از آن است که در این مختصر آمده است. رسالت این کتاب آن است که آگاهی‌هایی در سطح متوسط در اختیار طالبان علم اصول بگذارد و آنها را برای مطالعه و فهم منابع مبسوط مهیا کند.

در خاتمه‌ی مقدمه لازم است از حسن همکاری سرکار خانم دکتر سهیلا رستمی عضو محترم هیئت علمی دانشگاه کردستان و رحیمی که در بازخوانی متن و تذکر و تصحیح خطاها کوشیده‌اند؛ آقای سید فاضل رستمی دانشجوی دوره‌ی دکتری دانشگاه تهران و نیز از دوستان دیرین دست‌اندرکار نشر احسان خصوصاً مدیر مرضیة السَّجایای آن جناب ماموستا ملا عبدالرحمان یعقوبی و فرزندان فرخنده طالع ایشان آقای انور و خانم مریم

يعقوبی که مثل همیشه صمیمانه در آماده سازی و چاپ و نشر کتاب مساعدت فرمودند سپاسگزاری کنم. توفیقی اگر هست از عنایات حق است و نقص و خللی اگر باشد، از ضعف و قصور ماست. وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ.

جلیل امیدی، تهران، پاییز ۱۳۹۵